

## بررسی تأثیر اندازه دولت بر نرخ تورم منتخبی از کشورهای درحال توسعه (۲۰۰۶-۲۰۱۴)

توریالی هروی<sup>۱\*</sup>، حسن روحانی<sup>۲</sup>

۱- دانش آموخته ماستری اقتصاد دانشگاه کاتب، کابل، افغانستان (نویسنده مسئول)

۲- عضو هیئت علمی دانشگاه کاتب، کابل، افغانستان

### چکیده

یکی از معضلات و چالش‌های جدی کشورهای درحال توسعه که با آن مواجه می‌باشند، موضوع تورم است. تورم به دلیل آثار زیانبار فراوانی که بر اقتصاد و رشد اقتصادی تحمیل می‌کند، عاملان اقتصادی و سیاست‌گذاران را با چالش‌های جدی مواجه می‌سازد. با وجود درک عمومی یکسان از مفهوم تورم، در خصوص علل ایجاد کننده آن، بین اقتصاددانان هنوز اتفاق نظر وجود ندارد. در تحقیق حاضر به بررسی تأثیر اندازه دولت بر نرخ تورم در ۱۶ کشور منتخب درحال توسعه (افغانستان، هند، ایران، مالزی، مکزیک، آرژانتین، قطر، سنگاپور، کویت، پاکستان، اروگوئه، بنین، نیپال، مالی، ویتنام و بوتان)، طی دوره زمانی ۲۰۰۶ الی ۲۰۱۴ مورد آزمون قرار می‌گیرد. الگوی مورد بررسی برای این هدف، با استفاده از داده‌های ترکیبی (پانل) به روش حداقل مربعات تعمیم‌یافته، برای بررسی اثر هر یک از متغیرهای اندازه دولت، نرخ شاخص ارزش واردات، نرخ بهره، نرخ رشد نقدینگی و نرخ رشد تولید ناخالص داخلی بر نرخ تورم استفاده شده است. نتایج حاصل از این تحقیق دلالت بر این دارد که نرخ رشد نقدینگی، نرخ بهره و نرخ رشد شاخص قیمت واردات تأثیر مثبت و معنی‌دار بر نرخ تورم داشته و نیز نرخ رشد تولید ناخالص داخلی تأثیر منفی و معنی‌دار بر نرخ تورم داشته است. همین‌طور متغیر مستقل اصلی مدل اندازه دولت دارای تأثیر منفی و معنی‌دار بر نرخ تورم در کشورهای مورد بررسی داشته است.

**واژه‌های کلیدی:** اندازه دولت، تورم، مدل‌های پانل دیتا

### مقدمه

در هر نظام اقتصادی، رشد مداوم اقتصادی، کاهش نرخ تورم (ثبات قیمت‌ها)، ایجاد اشتغال کامل و توزیع عادلانه درآمد، از اهداف کلان می‌باشد. تورم از جمله پدیده‌های مضر اقتصادی است که بر سایر متغیرهای کلان در اقتصاد اثرگذار بوده و هزینه‌های زیادی را بر جامعه تحمیل می‌کند. از آثار مخرب تورم می‌توان به توزیع مجدد درآمد به نفع صاحبان سرمایه و به زیان اقشار حقوق‌بگیر، افزایش نااطمینانی و بی‌ثباتی در اقتصاد کلان و در نتیجه کوتاه‌تر شدن افق زمانی تصمیم‌گیری و کاهش سرمایه‌گذاری بلندمدت اشاره کرد. این معضلات ناشی از تورم، نهایتاً می‌تواند به بی‌ثباتی اقتصادی و اجتماعی و حتی سیاسی منجر شود. لذا بر می‌آید که توجه به مقوله تورم از مهمترین مباحث در بررسی‌های اقتصاددانان و مسئولان نظام اقتصادی هر کشوری باشد. از طرف دیگر دولت نیز یکی از بخش‌های مهم اقتصادی هر کشور به شمار می‌رود که تاثیر بسزایی بر اقتصاد دارد.

با توجه به ویژگی‌های کشورهای در حال توسعه، نقش دولت در این کشورها به یکی از مهمترین و اصلی‌ترین مباحث در میان صاحب‌نظران تبدیل شده است. با توجه به اهمیت نقش دولت در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی، تدوین و اجرای پروژه‌هایی به منظور توسعه اقتصادی در کشورهای در حال توسعه نتایج حاصل از میزان دخالت آن در اقتصاد نیز می‌تواند موضوع مناسبی برای کند و کاو در این زمینه باشد. از جمله موارد مهم که در فوق اشاره شد، تورم است که می‌تواند هر اقتصادی را تحت تاثیر قرار دهد، لذا بررسی اثرات اندازه دولت بر تورم می‌تواند موضوع مهمی برای پژوهش باشد.

هدف اصلی این مطالعه بررسی تأثیر اندازه دولت بر نرخ تورم در ۱۶ کشور منتخب در حال توسعه طی سال‌های ۲۰۰۶ الی ۲۰۱۴ است. برای این منظور از شاخص کل مخارج دولت به صورت درصدی از GDP، به عنوان اندازه دولت استفاده شده و مدل تحقیق با استفاده از تکنیک داده‌های تابلویی تخمین زده شده است. با استفاده از مطالعات تجربی و مدل‌های موجود عوامل موثر بر تورم شناسایی و در مورد چند کشور در حال توسعه به شمول افغانستان مورد ارزیابی قرار گرفت و تفاوت‌های میان این کشورها بررسی شد. برای این منظور مهمترین سوال مورد بررسی در این مطالعه آن است که آیا تاثیر متغیر اندازه دولت بر نرخ تورم معنی‌دار است و در صورت معنی‌داری این اثرگذاری به چه شکل است.

## مبانی نظری

بطور کلی همه نظام‌ها و مکاتب فکری، وجود دولت بطور مستقیم یا غیر مستقیم را لازم می‌دانند. وجود دولت در نظام اقتصادی هر کشور نیز یک ضرورت است. در یک نظام اقتصادی دولت باید وظیفه نظارت بر فعالیت‌های اقتصادی را عهده‌دار باشد و به عنوان حامی و مدافع صنایع ملی که به وسیله مردم به حرکت در می‌آید، عمل کند.

## بررسی نظریه‌ها و مکاتب اقتصادی با تأکید بر جایگاه دولت

### مکتب مرکانتیلیسم<sup>۱</sup>

در نظریه مرکانتیلیسم (سوداگری)، دولت نهاد قدرتمند و مداخله‌گرا است. دولت با تشویق صادرات کالا و واردات مواد اولیه و تحدید واردات کالای نهایی، تراز تجارت خارجی را مثبت می‌سازد. دولت از بخش‌های تولیدی حمایت کرده، با برنامه‌ریزی، هدایت اقتصاد را به عهده می‌گیرد. مالکیت بخش خصوصی به طور عمده وجود دارد و دولت از طریق مالیات، درآمد خود را تأمین می‌کند. برای تقویت صادرات از اقدامات تشویقی مثل پرداخت یارانه و اعطای وام و غیر آن بهره می‌برد (نادران، ۱۳۸۱؛ تفضلی، ۱۳۷۲).

### مکتب فیزیوکراسی<sup>۲</sup>

مکتب فیزیوکرات‌ها به کمال نظام طبیعی معتقد بوده، هر گونه دخالت در نظم طبیعی را سبب اختلال می‌دانست. اگر در نظام اقتصادی همچون نظام طبیعی تکوینی، مداخله صورت نگیرد، رفتار متعادل آن خود را نشان می‌دهد. دولت حداقلی که حامی آزادی کسب و کار و رقابت باشد و از ناامنی داخلی و خارجی جلوگیری کند و امور عام‌المنفعه را پدید آورد، مورد پسند این مکتب است. دولت، مالیات خود را از صاحبان زمین و نه کشاورزان گرفته، از وضع مالیات‌های غیر مستقیم بر کالا و مشاغل جلوگیری می‌کند. (نادران، ۱۳۸۱؛ تفضلی، ۱۳۷۲).

### مکتب کلاسیک

در نظام کلاسیک، بازار تعادل همراه با کارایی را شکل می‌دهد و پیروی از نفع شخصی، نفع جامعه را در پی دارد. حضور دولت در اقتصاد، آزادی را محدود می‌کند و تعادل را به هم می‌زند و کارایی را از بین

1. Merchantilism
2. Phsiocratism

می‌برد. دولت فقط در مواردی حضور می‌یابد که نظام بازار در آن بخش حضور کارا ندارد. مواردی همچون نبود آزادی اقتصادی، نبود زمینه‌های اجتماعی مناسب مانند برابری و امنیت، تجاوز به حقوق و آزادی فردی از طریق انحصارها یا فعالیت‌های ناسالم و عدم تضمین اجرای عدالت اجتماعی و رفع تبعیض در اعطای تسهیلات از این قبیل است؛ به همین جهت، دولت کلاسیکی سه وظیفه مهم را بر عهده دارد:

۱- ایجاد امنیت داخلی و دفاع خارجی؛

۲- برقراری عدالت از طریق ایجاد نهادهای قانون‌گذاری و نظارتی و تصویب قوانینی از قبیل قانون کار، مالکیت و...؛

۳- ایجاد تأسیسات عمومی و فعالیت‌هایی که یا از عهده اشخاص خارج است یا بخش خصوصی انگیزه انجام آن را ندارد.

دولت مالیات مناسب وضع و سیاست حمایتی از کالاهای داخلی در برابر کالاهای خارجی را اعمال می‌کند؛ ولی نباید در اقتصاد تصدی‌گری کند؛ زیرا دولت، مدیر و تاجر خوبی نیست و زیان دخالت آن بیشتر از زیان انحصار بخش خصوصی است. گسترش دولت به معنای اختصاص درآمد ملی به سرمایه‌گذاری در امور غیر مولد است که دولت‌ها انجام می‌دهند (نادران، ۱۳۸۱؛ عظیمی، ۱۳۸۰؛ رنانی، ۱۳۸۱؛ کاتوزیان، ۱۳۵۸).

#### مکتب نئوکلاسیک

دیدگاه نئوکلاسیک تنوع خاصی دارد؛ به‌ویژه با تکاملی که در نظریات آنها در قرن بیستم رخ داد. برخی از نظریات جدید را جداگانه مطرح می‌کنیم. در این دیدگاه، دولت در وضعی به دخالت مجاز است که باعث انحراف در کارکرد کارگزاران اقتصادی نشود و این از طریق اخذ مالیات‌های مقطوع و پرداخت‌های انتقالی امکان‌پذیر است (این مقدار هم مورد قبول هایک و نوزیک نیست). موارد شکست بازار و عدم تحقق رقابت کامل، مجوز دخالت دولت است. تولید کالای عمومی مثل نظام حقوقی، دفاع، نظام حمل و نقل، آموزش و تحقیقات، انحصارها، پیامدهای خارجی، اطلاعات ناقص، و نابرابری در توزیع، از موارد اصلی شکست بازار هستند. اصل بر فعالیت بازار است و فقط هنگام انحراف آن از کارایی در تخصیص منابع، دولت دخالت خواهد کرد. دولت پیشینه‌سازی رفاه کل جامعه را هدف دارد و در جایگاه وکیل مردم عمل می‌کند (نادران، ۱۳۸۱؛ دادگر، ۱۳۸۰؛ کارنیک، ۱۳۷۹).

## مکتب کینزینیسیم

دولت از طریق سیاست‌های کلان اقتصاد، جامعه را تنظیم می‌کند و بدون فرایند ورود به بازار با توجه به اهداف کلی اقتصاد مثل اشتغال کامل و کاهش دوران رکود، مدیریت اقتصادی انجام می‌دهد. دولت کینزی کمبودهای نظام سرمایه‌داری را بر طرف می‌ساخت و آن را در رسیدن به اهداف یاری می‌داد (فیتزپتریک، ۱۳۸۱).

## پیشینه تحقیق

هان و مولیگان<sup>۱</sup> (۲۰۰۱)، در مطالعه‌ای با عنوان " تورم و اندازه دولت" به بررسی تاثیر اندازه دولت بر تورم با معیار مخارج دولتی بصورت درصدی از GDP در کشورهای مختلف پرداختند. آنها در بررسی خود به مقایسه این اثرگذاری براساس تفکیک مخارج دفاعی و غیردفاعی در زمان‌های صلح و جنگ نیز پرداختند که در نتایج پژوهش آنها اندازه دولت بر اساس مخارج دفاعی اثر مثبت و اندازه دولت براساس معیار مخارج غیر دفاعی و نیز براساس مخارج کل اثری منفی بر نرخ تورم داشته است.

مالیک و چادری (۲۰۰۲)، در پژوهشی با استفاده از تجزیه و تحلیل هم‌انباشتگی و مدل تصحیح خطای برداری بر اساس داده‌های فصلی برای کشورهای استرالیا، آمریکا، کانادا، فنلاند، سوئد، نیوزلند و اسپانیا به این نتیجه رسیدند که میزان مخارج دولت بر روی تورم در بلندمدت اثر مثبت دارد. همچنین در بلندمدت بین تورم و درآمد واقعی رابطه‌ای مثبت وجود دارد.

صادقی و همکاران (۱۳۹۰)، در مقاله‌ای تحت عنوان "بررسی عوامل مؤثر بر تورم با تأکید بر اندازه دولت"، در این مقاله ارتباط بلندمدت بین تورم و عوامل مؤثر بر آن با تأکید بر اندازه دولت در اقتصاد ایران برای دوره زمانی ۱۳۵۳-۱۳۸۵ مورد آزمون قرار می‌گیرد. برای این منظور از روش هم‌انباشتگی خود توضیح برداری با وقفه گسترده برای تخمین مدل تحقیق استفاده شده است. نتایج حاصل از تخمین مدل نشان می‌دهد که شاخص قیمت کالاهای وارداتی، حجم نقدینگی، نرخ بهره حقیقی از متغیرهای اثرگذار بر نرخ تورم در اقتصاد ایران می‌باشند و رابطه منفی و معنی‌داری بین تورم و اندازه دولت در اقتصاد ایران وجود دارد. همچنین با توجه به نتیجه بدست آمده، دست‌یابی به نرخ تورم پایین‌تر از طریق اقدامات دولتی، افزایش هر چه بیشتر نقش‌های حمایتی و نظارتی دولت را می‌طلبد.

سامانی پور و همکاران (۱۳۹۳)، در مطالعه‌ای تحت عنوان "تورم و اندازه دولت در ایران"، به رویکرد رگرسیون آستانه‌ای طی دوره زمانی ۱۳۵۳-۱۳۹۱ پرداخته و نتایج آزمون حاکی از وجود رابطه ناخطی بین

1. Han and Mulligan

تورم و اندازه دولت است. طبق نتیجه مقاله، افزایش اندازه دولت تا آستانه ۰,۲۲ منجر به کاهش نرخ تورم با شیب کاهشی می‌شود، ولی پس از آن، افزایش اندازه دولت موجب افزایش نرخ تورم می‌گردد. به عبارت دیگر، در رژیم دولت کوچک، اندازه دولت اثر منفی بر تورم دارد اما در رژیم دولت بزرگ، اندازه دولت اثری مثبت بر تورم دارد.

شیرین‌بخش، شمس‌الله و میقانی، سمیه (۱۳۹۴)، در مقاله‌ای تحت عنوان "بررسی تأثیر اندازه دولت بر تورم در کشورهای عضو اوپک"، طی دوره ۱۹۸۰ الی ۲۰۰۷ پرداخته و با استفاده از روش اقتصادسنجی داده‌های ترکیبی (پانل) مورد بررسی قرار گرفته است. به این منظور ابتدا ایستایی متغیرها و سپس همگرایی آنها مورد آزمون قرار گرفته‌اند. پس از آن سه الگوی خطی، یعنی الگوی تلفیقی، اثرات ثابت و اثرات تصادفی برآورد گردیده‌اند و سپس با استفاده از دو معیار نسبت درست‌نمایی (LR) و هازمن الگوی نهایی انتخاب شده است. بر اساس نتایج حاصل هزینه‌های جاری دولت تأثیر مثبت معنی‌دار و هزینه سرمایه‌گذاری دولت تأثیر مثبت اما فاقد اعتبار آماری بر تورم داشته‌اند.

## تورم<sup>۱</sup>

تعریف‌های مختلفی از تورم وجود دارد که همه آنها تقریباً بیانگر یک موضوع هستند: تورم عبارت از افزایش دائم و بی‌رویه سطح عمومی قیمت کالاها و خدمات که در نهایت منجر به کاهش قدرت خرید و نابسامانی اقتصادی می‌شوند.

تورم از نظر علم اقتصاد به معنی افزایش سطح عمومی قیمت‌ها در طول یک زمان مشخص است. نرخ تورم برابر است با تغییر در یک شاخص قیمت که معمولاً شاخص قیمت مصرف‌کننده است (شاگری، عباس، ۱۳۹۲).

## نظریه مقداری پول<sup>۲</sup>

قبل از انتشار کتاب نظریه عمومی اشتغال، بهره و پول نوشته جان مینارد کینز در سال ۱۹۳۶، درمیان اقتصاددانان یک اتفاق نظر عمومی در خصوص علل ایجاد کننده تورم وجود داشت. این اقتصاددان براساس نظریه معروف اقتصادی بنابرینم نظریه مقداری پول منشا ایجاد تورم مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دادند. درباره این نظریه دو تفسیر وجود دارد که بصورت اجمالی در مورد هر یک بحث می‌گردد.

1. Inflation
2. Quantity Theory of Money

## الف- معادله مبادله فیشر

ایروینک فیشر تجزیه و تحلیل خویش را از طریق معادله مبادله زیر آغاز می‌نماید:

$$(۱) MV=PY$$

در معادله (۱)  $M$  حجم ذخایر پول،  $V$  سرعت گردش پول،  $P$  سطح عمومی قیمت‌ها و  $Y$  سطح محصول تولید شده در اقتصاد را نشان می‌دهد. براساس این نظریه با فرض این که سرعت گردش پول و تولید ثابت است، هرگاه حجم پول در اقتصاد  $\pi$  درصد بالا رود، قیمت‌ها نیز به همان نسبت ( $\pi$  درصد) افزایش می‌یابد. تحلیل افزایش متناسب قیمت‌ها بدین صورت است که افزایش حجم پول سبب می‌شود در اقتصاد نسبت به مقداری که برای مبادله در اشتغال کامل لازم است، اضافه پول به وجود آید، ذخایر پولی تدریجاً خرج می‌شوند و از آنجا که سطح محصول و سرعت گردش پول در اقتصاد ثابت است سطح عمومی قیمت‌ها به همان میزان افزایش می‌یابد تا اینکه ذخایر اضافی از بین برود.

ب- معادله کیمبریج:

معادله کیمبریج بیان دیگری از نظریه مقداری پول است که توسط استادان دانشگاه کیمبریج انگلستان و به ویژه آلفرد مارشال، ارایه و توجیه شد. این معادله را از نظر ریاضی می‌توان بصورت زیر نوشت:

$$(۲) \quad MV=PY \quad K = \frac{1}{V} M = KPY \quad M = KV$$

که در رابطه بالا  $\frac{M}{P}$  حجم واقعی پول، و  $K$  عکس سرعت گردش پول و  $Y$  تولید ناخالص داخلی واقعی می‌باشد.

اقتصاددانان مکتب کیمبریج نیز همان فرضیات مکتب قبل را پذیرفته (ثابت بودن سطح تولید بودن و سرعت گردش پول) و بنابراین فرضیه‌ها، نتیجه حاصل توسط فیشر در این مکتب نیز به راحتی قابل استخراج است. به این شکل که هر تغییری در حجم پول به تغییر متناسب در سطح عمومی قیمت‌ها منجر می‌شود (محنت فر و همکاران، ۱۳۸۸).

## نظریه تورم جاذبه تقاضا

نظریه تورم جاذبه تقاضا بروز تورم را به دلیل افزایش تقاضای کل می‌داند. افزایش تقاضا می‌تواند ناشی از موارد زیر باشد:

۱- افزایش مصرف و سرمایه‌گذاری مستقل

۲- سیاست مالی انبساطی

- ۳- سیاست پولی انبساطی
- ۴- کاهش تقاضای مستقل پول
- ۵- افزایش صادرات و کاهش واردات

کینز، استدلال خویش برای ایجاد تورم را این طور ارایه می‌کند که اگر تقاضا برای کالای مصرفی بیش از عرضه آنها باشد، این اضافه تقاضا شکاف تورمی ایجاد کرده و قیمت‌ها آنقدر افزایش می‌یابد تا این شکاف پر شود. طبق نظریه مذکور، تورم نتیجه فزونی تقاضا بر عرضه کالاها و خدمات تولید شده در قیمت‌های جاری است. البته تا زمانی که عوامل تولید بیکار در اقتصاد وجود دارد، افزایش تقاضای موثر، به افزایش تولید واقعی منجر می‌شود، اما هنگامی که نیروی کار و تجهیزات تولیدی، کم و بیش به طور کامل مورد استفاده قرار گرفت، افزایش بیشتر تقاضا فقط می‌تواند به ازدیاد قیمت‌ها منجر شود. این همان پدیده‌ای است که کینز آن را "تورم خالص" می‌نامد (عظیمی و همکاران، ۱۳۹۲)

### نظریه تورم ناشی از فشار هزینه

در نظریه تورمی ناشی از فشار هزینه عدم تعادل‌های بخش عرضه اقتصاد و به‌ویژه افزایش هزینه تولید و انتقال منحنی عرضه کل دلیل اصلی افزایش قیمت‌ها قلمداد می‌شود. این امر نتیجه افزایش هزینه‌های تولید و انتقال منحنی عرضه در اثر افزایش معاش‌ها یا افزایش قیمت مواد اولیه است. در واقع، نرخ رشد بالاتر معاش‌ها و قیمت سایر نهاده‌ها و عوامل تولید از رشد بهره‌وری هر یک از این عوامل تولید امکان بروز تورم ناشی از فشار هزینه را محتمل می‌سازد (عظیمی و همکاران، ۱۳۹۲). این نظریه آن هنگام ارایه شد که پدیده "تورم توأم با بیکاری" در دهه ۱۹۷۰ به وقوع پیوست. با شروع چنین اتفاقاتی دیگر نظریه‌های قبلی، قادر به توضیح این پدیده‌ها نبود (محنت‌فر و همکاران، ۱۳۸۸).

### تورم و مکتب پولی

طرفداران مکتب پولی معتقدند که تورم پدیده‌ای پولی است و رشد نقدینگی عامل اصلی بروز آن است، به گونه‌ای که در بلندمدت پول خنثی است، بنابراین حجم پول به عنوان یک متغیر عمده اقتصاد کلان و نیز یکی از ابزارهای اصلی سیاست‌های دولت است که برای مهار تورم بکار گرفته می‌شود. پولیون معتقدند که تورم در بلندمدت یک پدیده پولی است و بروز تورم تنها ناشی از نرخ رشد بالا و دایمی عرضه پول است به طوری که تورم با رشد بالا و مستمر عرضه پول شکل می‌گیرد (عظیمی و همکاران، ۱۳۹۲).



## نظریه ساختارگرایی تورم

بطور کلی می‌توان گفت تورم ساختاری به معنی آن است که به دلیل وضعیت مربوط به ساختارهای نامتوازن اقتصادی، سیاسی، حکومتی، فرهنگی و موارد از این قبیل تورم بروز می‌نماید و تداوم می‌یابد. تورم ساختاری عمدتاً مختص کشورهای توسعه نیافته و در حال توسعه است. در این کشورها فشارهای تورمی عمدتاً به دلیل فشار رشد اقتصادی بر ساختارهای اقتصادی و اجتماعی نامتجانس و توسعه نیافته است (عظیمی و همکاران ۱۳۹۲). به اعتقاد سانکل<sup>۱</sup> (۱۹۶۰) چسبندگی در عرضه محصولات کشاورزی که ناشی از ویژگی‌های ذاتی ساختار اقتصادی و نهادی قسمت‌های عمده‌ای از بخش کشاورزی است، موجب افزایش قیمت نسبی این محصولات و سرریز آن به محصولات غیر کشاورزی می‌شود، در چنین شرایطی، زنجیره‌ای از فرایندها شکل می‌گیرند که تورم را اجتناب‌ناپذیر می‌کنند. این تورم تا هنگام نتیجه دادن اصلاحات ساختاری، بهایی است که برای رشد سریع اقتصادی پرداخت می‌شود. در واقع، این استدلال مقابل توجیه‌های نظریه پولی در خصوص ریشه پولی بیان می‌شود.

## انتظارات تورمی

آفتالیون<sup>۲</sup> با انتقاد از تئوری مقداری پول، تاثیر متغیرهای روانی را بر نرخ تورم مطرح ساخت. وی معتقد بود که علاوه بر حجم پول، متغیرهای انتظارات در مورد قیمت‌ها و عوامل اجتماعی و سیاسی نیز بر نرخ تورم موثر هستند. وی متذکر شد که هرگاه صاحبان درآمد، افزایش قیمت‌ها را درآیند پیش‌بینی می‌نمایند پول‌های خود را به سرعت به کالا تبدیل می‌نمایند و با افزایش تقاضای فعلی کالاها و خدمات باعث افزایش قیمت آنها در زمان حال می‌گردند. از سوی دیگر، تولیدکنندگان و بازرگانان نیز در مواقعی که انتظار افزایش قیمت‌ها را داشته باشند به ذخیره انبار خود می‌افزایند و عرضه کالاها و خدمات خود را به آینده موکول می‌نمایند که این موضوع تورم را نیز از طریق کاهش عرضه، دامن می‌زند (عظیمی و همکاران، ۱۳۹۲).

1. Sunkel
2. Aflation

### معرفی مدل تحقیق

تحقیق حاضر با استفاده از داده‌های ترکیبی در مورد منتخبی از کشورهای در حال توسعه طی سال‌های ۲۰۰۶ الی ۲۰۱۴ مورد آزمون قرار می‌گیرد. مدل عمومی مورد نظر این تحقیق به صورت زیر تصریح می‌شود:

$$INF_{it} = \alpha + \beta_1 SG_{it} + \beta_2 GM_{it} + \beta_3 GPIM_{it} + \beta_4 GGDP_{it} + \beta_5 RAT_{it} + U_{it} \quad (3)$$

که در معادله (۳) متغیرهای مدل فوق به شرح زیر می‌باشد.

$INF$ : نرخ تورم

$t$  نشان‌دهنده  $t$  امین واحد مقطعی  $t$  نشان‌دهنده  $t$  امین دوره زمانی است.

$SG$ : سهم عمومی دولت بصورت درصدی از کل GDP

$GM$ : نرخ رشد نقدینگی

$GPIM$ : نرخ شاخص قیمت واردات

$GGDP$ : نرخ رشد تولید ناخالص داخلی

$RAT$ : نرخ بهره اسمی

$\alpha$  عرض از مبدا ،  $\beta_1, \beta_2, \beta_3, \beta_4, \beta_5$  به ترتیب ضرایب متغیرهای تورم ، اندازه دولت، نقدینگی، شاخص

قیمت واردات، تولید ناخالص داخلی و بهره وام‌دهی می‌باشد.

$U$ : جمله خطای مدل.

## برآورد مدل و تجزیه و تحلیل یافته‌ها

جدول (۱): نتایج آزمون ریشه واحد

متغیرها	آزمون لین ، لوین و چو		آزمون ایم، پسرانو شین		(آزمون فیشر ADF)		آزمون فیشر (PP)	
	آماره آزمون	احتمال	آماره آزمون	احتمال	آماره آزمون	احتمال	آماره آزمون	احتمال
INF	-9.97	0.000	-2.64	0.004	59.74	0.002	72.92	0.000
SG	-4.65	0.000	-1.23	0.108	47.62	0.037	78.84	0.000
GM	-3.86	0.0001	-1.44	0.07	48.44	0.031	73.32	0.000
GPIM	-2.84	0.0022	1.017	0.84	21.49	0.92	56.09	0.0053
GGDP	-10.02	0.000	-3.43	0.0003	72.52	0.0001	70.52	0.0001
RAT	-9.006	0.000	-2.59	0.004	56.016	0.0027	3.32	0.39

منبع: یافته‌های تحقیق

باتوجه به جدول (۱) نتایج آزمون نشان می‌دهد، که متغیرهای نرخ تورم، اندازه دولت، نرخ رشد نقدینگی، نرخ رشد تولید ناخالص داخلی، شاخص ارزش واردات و نرخ بهره اسمی در سطح با احتمال ۰,۰۵ درصد مانا هستند و مقدار احتمال (Prob) آنها کوچکتر از ۰,۰۵ درصد می‌باشد.

در نتیجه فرضیه صفر بر وجود ریشه می‌توان برای متغیرهای تحقیق رد کرد. بنابراین نتایج نشان می‌دهند که متغیرهای تحقیق از نوع ایستا می‌باشند. سپس آزمون همجمعی کائو برای متغیرهای انجام دادیم که قاعده تصمیم‌گیری صورتیست که فرضیه  $H_0$  نشان‌دهنده عدم هم‌انباشتگی بین متغیرها و فرضیه  $H_1$  نشان‌دهنده وجود هم‌انباشتگی میان متغیرها می‌باشد.

جدول (۲): نتایج آزمون همجمعی کائو

ADF	T-Statistic	Prob
Kao Residual Cointegration Test	-3.03	0.0012

منبع: یافته‌های تحقیق

باتوجه به نتایج جدول (۲) آماره (۲) (۰,۰۰۱۲) در سطح با احتمال ۵ درصد، فرضیه مخالف مبنی بر وجود رابطه همجمعی میان متغیرها قابل پذیرش است. براین اساس میان متغیرهای نرخ تورم، نرخ رشد نقدینگی،

نرخ رشد تولید ناخالص داخلی، نرخ بهره اسمی، نرخ شاخص ارزش واردات و اندازه دولت ارتباطی بلند مدت وجود دارد.

از آنجاییکه در رهیافت تابلویی با تعدادی مقاطع در یک دوره زمانی خاص روبرو هستیم، آنچه به عنوان یک سؤال مهم مطرح می‌شود این است که آیا ضرایب اثرگذاری متغیرهای توضیحی در بین مقاطع یکسان است. یعنی داده‌ها تلفیق پذیرند یا اینکه مقطع به مقطع تغییر می‌کنند و باید جداگانه برآورد شوند. آزمون F لیمر به محقق کمک می‌کند که این سؤال پاسخ دهد. برای اینکه داده‌ها قابلیت تلفیق شدن را دارند یا خیر آزمون F لیمر انجام می‌شود.

جدول (۳): نتایج آزمون F لیمر

Effect Test	Statistic	df	Prob
Cross- SectionF	4.31	(15,123)	0.0000

منبع: یافته‌های تحقیق

با توجه به نتایج جدول (۳) نشان می‌دهد، که مقدار احتمال (Prob) کوچکتر از ۰,۰۵ درصد است که فرضیه  $H_0$  رد شده، بنابراین از روش داده‌های تابلویی در رگرسیون استفاده می‌شود. بعد از این که ناهمگنی در مقاطع مشخص شد، تفاوت‌های فردی قابل لحاظ کردن است. به منظور این که مشخص شود کدام روش (اثرات ثابت و یا اثرات تصادفی) جهت برآورد مناسب‌تر است از آزمون هاسمن استفاده می‌شود. فرضیه آزمون هاسمن به صورت زیر خواهد بود.

- اثرات تصادفی ( $H_0$ )

- اثرات ثابت ( $H_0$ )

به طور خلاصه فرضیه صفر در آزمون هاسمن، توصیه به استفاده از روش تصادفی و فرضیه یک استفاده از روش اثرات ثابت دارد.

جدول (۴): نتایج آزمون هاسمن

آمار	احتمال
37.40	0.000

منبع: یافته‌های تحقیق

با توجه به جدول فوق و نتایج به دست آمده از آزمون هاسمن نشان می‌دهد که مقدار احتمال (Prob) کوچکتر از ۰,۰۵ درصد است که فرض  $H_0$  رد می‌شود و مدل دارای اثرات ثابت است.

جدول (۵) : نتایج آزمون واریانس ناهمسانی (LR)

Test Summary	LR $\chi^2(15)$	Prob > $\chi^2$
Likelihood-ratio test	149.66	0.0000

منبع : یافته‌های تحقیق

باتوجه به نتایج جدول (۵) مقدار احتمال (Prob) کوچکتر از ۰,۰۵ درصد است. بنابراین فرضیه  $H_1$  پذیرفته می‌شود و مدل دارای ناهمسانی واریانس است و برای رفع آن از روش GLS استفاده می‌شود (دامودار، گجراتی، ۱۳۹۲).

جدول (۶) : نتایج آزمون خودهمبستگی

Test Summary	Statistic	F	Prob
Wooldridge	5.189	(1,15)	0.0378

منبع : یافته‌های تحقیق

با توجه به نتایج جدول فوق آزمون خودهمبستگی دیده می‌شود که مقدار احتمال (Prob) کوچکتر از ۰,۰۵ درصد است، بنابراین فرضیه  $H_0$  رد شده که در داده‌های خودهمبستگی وجود دارد. چون در داده‌های مدل خودهمبستگی و ناهمسانی واریانس وجود دارد، برای رفع آن از روش حداقل مربعات تعمیم‌یافته استفاده می‌شود.

جدول (۷) : نتایج حاصل از تخمین مدل به روش حداقل مربعات تعمیم‌یافته (GLS)

متغیرهای توضیحی و عرض از مبدأ	ضرایب	انحراف معیار	t محاسباتی	ارزش احتمال
SG	-0.124	0.04	-3.08	0.002
GM	0.075	0.028	2.64	0.008
GPIM	5.26	1.26	4.15	0.000
GGDP	-0.13	0.05	-2.49	0.013
RAT	0.43	0.069	6.23	0.000
C	-7.61	2.88	-2.64	0.008

منبع : یافته‌های تحقیق

باتوجه به نتایج مدل فوق، متغیرهای اندازه دولت، نرخ رشد تولید ناخالص داخلی دارای تأثیر منفی و معنی‌دار بر نرخ تورم می‌باشد و همینطور متغیرهای نرخ رشد نقدینگی، نرخ بهره و شاخص قیمت واردات دارای تأثیرات مثبت و معنی‌دار بر نرخ تورم در کشورهای منتخب درحال توسعه وجود دارد.

نتایج بدست آمده حاکی از آن است که متغیر رشد شاخص قیمت واردات اثر مثبت و معنی‌دار بر نرخ تورم دارد به گونه‌ای که افزایش ۱ درصد آن موجب افزایش ۵,۲۶ درصد در نرخ تورم می‌شود. این به معنی وجود تورم وارداتی است به گونه‌ای که قیمت برخی کالاها، که کالاهای اساسی و تعیین‌کننده در تولید یا مصرف مردم در سطح جهانی است، به علت برخی عوامل طبیعی یا تصمیمات سیاسی - اقتصادی افزایش می‌یابد. این افزایش به افزایش هزینه تولید (صورتی که مواد اولیه تولیدی باشند) یا افزایش قیمت کالاهای مصرفی، در داخل منجر می‌شود.

همانطور که ملاحظه می‌شود، سطح عمومی قیمت‌ها نسبت به شاخص قیمت کالاهای وارداتی دارای بالاترین حساسیت در مقایسه با سایر متغیرهای مدل می‌باشد. مطابق تخمین، افزایش یک درصد در نرخ رشد تولید خالص داخلی منجر به کاهش ۰,۱۳ درصد در نرخ تورم در کشورهای منتخب درحال توسعه شده است. با توجه به مبانی موجود، این اثرگذاری درست به نظر می‌رسد. تولید ناخالص داخلی به قیمت ثابت، بیانگر عرضه کل جامعه است و بنابراین افزایش آن به منزله کاهش شکاف بین عرضه و تقاضای کل و در نتیجه کاهش تورم است و در نتیجه افزایش تولید می‌تواند قسمتی از آثار تورمی مازاد تقاضای کل ایجاد شده از طریق حجم پول را خنثی کند و باتوجه به تایید فرضیه اثر منفی تورم بر رشد اقتصادی این گروه از کشورهای درحال توسعه، کاهش تورم یک گام موثر در راستای دسترسی به نرخ رشد اقتصادی بالا می‌باشد.

قابل یادآوری است، نگرش‌های متفاوت در مورد رابطه تورم و رشد اقتصادی، بررسی تجربی این دو متغیر می‌تواند سازگاری یا عدم سازگاری با توجه به شرایط خاص کشورهای مورد مطالعه داشته باشد. مطابق نتیجه مدل، افزایش یک درصد در نرخ بهره می‌تواند نرخ تورم را به اندازه ۰,۴ درصد افزایش دهد. همانطور که اشاره شد، نرخ بهره هزینه استفاده از سرمایه است. با توجه به نرخ ترجیحات زمانی، افرادی در بازار قرض دهنده و افرادی قرض گیرنده‌اند. افزایش نرخ بهره می‌تواند از سویی عرضه پول را افزایش بدهد، ولی از سویی دیگر می‌تواند میل به استفاده از این سرمایه‌ها (پس‌اندازها) را کاهش دهد. که این می‌تواند منجر به کاهش سرمایه‌گذاری‌ها شده و رونق اقتصادی را بکاهد که این می‌تواند تأثیری مستقیم بر تورم بگذارد.

از سوی دیگر کاهش نرخ تورم نسبت به رشد نقدینگی ۰,۰۷ می‌باشد که این موضوع با توجه به مبانی موجود در رابطه با رشد حجم پول با تورم منطقی بنظر می‌رسد. متغیر مستقل اصلی این پژوهش که همانا اندازه دولت است، دارای تاثیر منفی و معنی‌دار بر نرخ تورم در کشورهای مورد مطالعه دارد. به عبارت دیگر، به ازای هر درصد در مخارج عمومی دولت نرخ تورم در حدود ۰,۱۲ درصد کاهش می‌یابد.

### نتیجه‌گیری

اقتصاددانان معتقدند هزینه‌هایی که تورم بر جامعه تحمیل می‌کند می‌تواند بسیار جدی‌تر از هزینه‌های ناشی از کند شدن رشد اقتصادی باشد. تورم بالا و بی‌ثبات موجب اختلال در نظام تخصیص قیمت‌ها و برهم خوردن توزیع درآمد در جامعه می‌گردد. بی‌ثباتی تورم نه تنها موجب خدشه‌دار شدن اعتبار سیاست‌گذاران کلان اقتصادی به ویژه بانک مرکزی می‌شود، بلکه تداوم آن می‌تواند موارد حاد بی‌ثباتی سیاسی کشور را نیز موجب گردد.

مطالعه حاضر بر پایه میتود رهیافت داده‌های تابلویی و برای دوره زمانی ۲۰۰۶ الی ۲۰۱۴ به بررسی تأثیر اندازه دولت بر نرخ تورم منتخبی از کشورهای درحال توسعه پرداخته است. با توجه به نتایج تخمین مدل تحقیق نکات ذیل بعنوان جمع‌بندی و نتیجه‌گیری قابل ذکر است.

از آنجاییکه اندازه دولت بر نرخ تورم کشورهای شامل تحقیق تأثیر معنی‌داری داشته است، لذا در پاسخ به سوال اصلی تحقیق باید خاطر نشان ساخت که رابطه معنی‌داری بین دو متغیر وجود دارد. دلیل منفی شدن این است که مخارج دولت شامل مخارج توسعه‌ای در نظر گرفته شده و با توسعه زیربنایی فرایند تولید افزایش و هزینه‌های عرضه کاهش یافته و در نتیجه تورم کاهش یافته است.

متغیر رشد تولید ناخالص داخلی بر نرخ تورم کشورهای شامل تحقیق تأثیر معنی‌دار و منفی داشته است. دلیل رابطه منفی بین تورم و رشد اقتصادی در این کشورها را می‌توان در این دانست که با افزایش رشد اقتصادی، تولید کالاها و خدمات افزایش یافته و نیازهای تقاضا پاسخ داده می‌شود و در نتیجه تورم ناشی از تقاضا کاهش می‌یابد. از طرف دیگر افزایش تولید کالاها و خدمات باعث کاهش هزینه‌های تولید به علت برهم‌افزایی و اثر هم‌جمعی شده و تورم ناشی از عرضه را کم می‌کند.

رشد نقدینگی تأثیر مثبت و معنی‌دار بر نرخ تورم در کشورهای مورد تحقیق داشته است. یعنی با افزایش یک درصد در نرخ رشد نقدینگی منجر به افزایش ۰,۰۷ درصد در نرخ تورم در کشورهای مورد مطالعه می‌شود. طرفداران نظریه پولی معتقدند که بروز تورم تنها ناشی از نرخ رشد بالا و دائمی عرضه پول می‌باشد؛ به طوری که با رشد بالا و مستمر عرضه پول، تورم شکل می‌گیرد و با رشد پایین عرضه پول،

نرخ تورم کاهش می‌یابد. بنابراین طرفداران این نظریه معتقدند که تنها راه مهار تورم افزایش قانون‌مند و باثبات عرضه پول با نرخی برابر یا اندکی بیش از رشد متوسط تولید است.

متغیر نرخ بهره بر نرخ تورم در کشورهای شامل تحقیق دارای تأثیر مثبت و معنی‌دار داشته است. اما چگونگی اثرگذاری نرخ بهره بر تورم می‌تواند به طرق مختلف توضیح داده شود. یکی از مکانیزم‌های اثرگذاری نرخ بهره بر نرخ تورم، هزینه استفاده از سرمایه است. به طوری که افزایش نرخ بهره، هزینه استفاده از سرمایه را افزایش می‌دهد؛ این امر در نهایت منجر به افزایش هزینه‌های تولید می‌شود. افزایش هزینه‌های تولید با انتقال به سمت چپ منحنی عرضه کل اقتصاد در نهایت سبب افزایش تورم می‌شود. همچنین تغییرات نرخ بهره می‌تواند از طریق تأثیرگذاری بر حجم پول، تورم را تحت تأثیر قرار دهد. بدین ترتیب که در الگوهای درون‌زای پول، که عرضه پول تابعی مستقیم از نرخ بهره است، با افزایش نرخ بهره، عرضه پول افزایش می‌یابد. بر اساس تئوری مقداری پول در بلندمدت و کوتاه‌مدت، افزایش عرضه پول موجب افزایش سطح قیمت‌ها خواهد شد. هرچند ممکن است عرضه پول در رکود گسترده تأثیر معنی‌دار بر تورم نداشته باشد، لیکن درحالت متعارف و حداقل درمیان مدت و بلند مدت تأثیر حجم پول بر تورم مثبت و معنی‌دار است. بنابراین از لحاظ تئوریک انتظار بر این است که افزایش نرخ بهره می‌تواند سطح قیمت‌ها را افزایش دهد و از این رو استدلال بر این است که رابطه علی از نرخ بهره بر تورم ممکن است.



### پیشنهادات

توصیه می‌شود در این کشورها این سیاست‌ها اجرا شود:

- ۱- دولت‌ها با افزایش مخارج خود زمینه‌های کاهش تورم را فراهم کرده و در نتیجه باعث گسترده شدن افق تصمیم‌گیری به علت ثبات اقتصادی می‌شوند و با ایجاد ثبات زمینه‌های افزایش سرمایه‌گذاری و فعالیت‌های اقتصادی فراهم شود.
- ۲- با کنترل حجم پول به کنترل تورم بپردازند.
- ۳- به علت تأثیر بالای تورم وارداتی بر تورم داخلی، بهتر است که کشورهای مورد بررسی با استفاده از استراتژی جایگزینی واردات، وابستگی به محصولات خارجی را کاهش دهند. تا تورم را بهتر کنترل کنند و از اثرات تورم و نوسان‌های تجاری کشورهای خارجی بر تورم داخلی و ثبات اقتصادی‌شان جلوگیری کنند.
- ۴- این کشورها با تلاش در جهت افزایش رشد اقتصادی می‌توانند به راحتی تورم را کنترل کنند لذا با تسهیل قوانین و مقررات و حمایت از فعالیت‌های تولیدی و خدماتی باید زمینه رشد اقتصادی را فراهم نمایند.
- ۵- از آنجاییکه اثر نرخ بهره بر تورم مثبت است و تورم ناشی از عرضه را افزایش می‌دهد با اعمال نظارت‌های بیشتر بانکی و ایجاد بازارهای مالی گسترده زمینه جذب نقدینگی را فراهم کرده تا نرخ بهره کاهش یافته و تورم کاهش یابد.

## منابع

- اصغریور، حسین وهمکاران. (۱۳۹۱). "تحلیل تجربی تاثیر مخارج دولتی بر مصرف خصوصی در ایران"، دانشگاه تبریز، **فصلنامه تحقیقات توسعه اقتصادی**، شماره هشتم، صفحات ۱۰۵-۱۳۲.
- ابنشتاین، ویلیام و ادوین فاگلمان. (۱۳۶۹). **مکاتب سیاسی معاصر: نقد و بررسی کمونیسم، فاشیسم، کاپیتالیسم و سوسیالیسم**؛ ترجمه حسین علی نوذری، گستره، چ ۲.
- اشک تراب، نیلوفر (۱۳۹۰). **بررسی عوامل موثر بر تابع تقاضای صادرات پسته ایران با تاکید بر سلامت غذایی**، دانشگاه فردوسی مشهد.
- تفضلی، فریدون (۱۳۷۵). **تاریخ عقاید اقتصادی**، تهران، نشر نی.
- تمدن، محمد حسین و مسعود درخشان (۱۳۶۵). **تاریخ عقاید اقتصادی**؛ تهران: دانشگاه امام صادق (ع)، چ ۱.
- دادگر یدالله. (۱۳۸۰). مروری بر ادبیات نقش و جایگاه دولت در اقتصاد، **فصلنامه فرهنگ اندیشه**، شماره دوم، صفحات: ۷-۲۱.
- دهمده، نظر. (۱۳۹۰). **بیکاری و تورم**، مشهد، انتشارات مرندیز، چاپ اول.
- رنانی، محسن. (۱۳۸۱). «ماهیت و ساختار دولت در ایران». **مجموعه مقالات نقش دولت در اقتصاد به کوشش فراهانی فرد**، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- زراء نژاد، منصور؛ انواری، ابراهیم. (۱۳۸۵). کاربرد داده‌های ترکیبی در روش تحلیل رگرسیون در علوم مختلف (باتاکید بر علوم اقتصادی - اجتماعی)، **همایش بین‌المللی روش‌های تحقیق در علوم، فنون و مهندسی**.
- سعیدی، پرویز؛ مظهري، رضا؛ ولیان، حسن. (۱۳۹۱). بررسی ارتباط بین نرخ تورم و نرخ بهره براساس تئوری اثر فیشر در اقتصاد ایران، **فصلنامه علمی پژوهشی دانش مالی تحلیل اوراق بهادار**، شماره سیزدهم، بهار.
- سامانی پور، حسن؛ ابونوری، اسمعیل، نادمی. (۱۳۹۳). تورم و اندازه دولت در ایران: رویکرد رگرسیون آستانه‌ای، **فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی (رشد و توسعه پایدار)**، سال شانزدهم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۹۵، صفحات ۱۰۷-۱۲۵.
- شیرینبخش، شمس‌اله؛ میقانی، سمیه. (۱۳۹۴). بررسی تأثیر اندازه دولت بر تورم در کشورهای عضو اوپک، **دو فصلنامه مطالعات تجربی اقتصاد ایران**، شماره دوم، پاییز و زمستان، دانشگاه ایلام.

شاکری، عباس (۱۳۹۲). **اقتصادکلان نظریه‌ها و سیاست‌ها**، جلد اول و دوم، تهران، انتشارات رافع، چاپ چهارم.  
 علی پور، بهزاد؛ اقبالی، علیرضا؛ پدرام، مهدی؛ مجدعی، سهیلا (۱۳۹۵). بررسی رابطه اندازه دولت و نرخ بیکاری در دو گروه کشورهای عضو Mena و کشورهای عضو OECD، **مجله اقتصادی**، شماره ۱۱ و ۱۲ بهمن ۱۳۹۵، صفحات ۳۹-۶۴

صادقی، سیدکمال، شببائی، امینه، فشاری، مجید، فشاری (۱۳۹۰). بررسی عوامل مؤثر بر تورم با تأکید بر اندازه دولت. **فصلنامه مدلسازی اقتصادی**، شماره ۱، بهار ۱۳۸۹، صفحات ۷۲-۹۱.

علوی راد، عباس، غفوری، محمد حسین، قرشی، نغمه (۱۳۹۳). مقایسه میزان تأثیر سلامت بر رشد اقتصادی ایران و کشورهای حوزه سند چشم انداز، **دو ماهنامه علمی پژوهشی، دانشکده بهداشتی زد**، سال سیزدهم، شماره: سوم، مرداد و شهریور ۱۳۹۳، شماره مسلسل

عظیمی، حسین (۱۳۸۰). «دولت در علم اقتصاد و توسعه اقتصادی»، **فصلنامه فرهنگ و اندیشه**، سال اول شماره دوم.

عظیمی، سید رضا؛ میری، طامه؛ اشرف، سادات؛ تقی زاده، خدیجه؛ صمدی، رضا (۱۳۹۲). "بررسی روند و علل تورم در ایران در سال‌های (۱۳۸۹-۱۳۹۱) و اقدامات صورت گرفته برای مهار آن، **فصلنامه سیاست‌های عالی و اقتصادی**، سال یکم، شماره ۱، صفحات ۲۵-۵۸.

غفاری، هادی (۱۳۸۳). **بررسی تطبیقی جایگاه و نقش دولت در نظام‌های اقتصادی**، تهران: شرکت چاپ و نشر بازرگانی

فیتزتریبک، تونی (۱۳۸۱). **نظریه رفاه**، ترجمه هرمز همایون پور، تهران، مؤسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی.

قطمیری، محمد علی؛ جهرمی، رضا شرافتیان (۱۳۸۶). مقایسه تأثیر تغییرات نرخ ارز بر تولید در کشورهای در حال توسعه منتخب با نظام‌های ارزی مختلف: یک رهیافت هم جمعی با داده‌های پانل (۲۰۰۴-۱۹۸۱). **فصلنامه بررسی‌های اقتصادی**، شماره ۱۰

کاتوزیان، محمد علی (۱۳۵۸). **آدم اسمیت و ثروت ملل**؛ تهران: کتابهای جیبی، چ ۱

گلمردی، حسن؛ انجم شعاع، سجاد (۱۳۹۴). اثرات کوتاه‌مدت و بلندمدت مخارج دولت و تورم بر رشد اقتصادی در ایران، **فصلنامه سیاست‌های مالی و اقتصادی**، سال سوم، شماره ۱۰، صفحات ۱۰۸-۸۹.

محنت فر، یوسف دهقانی، تورج (۱۳۸۸). "بررسی رشد نقدینگی و اثر آن بر تورم در اقتصاد ایران": یک مطالعه تجربی طی دوره ۱۳۵۰-۱۳۵۸، **فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی**، سال هفدهم، شماره ۴۹، صفحات ۹۳-۱۱۲.

نادران، الیاس (۱۳۸۱). «جایگاه دولت در مکاتب لیبرالیستی» در **مجموعه مقالات نقش دولت در اقتصاد** به کوشش فراهانی فرد، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

وینسنت، اندرو. (۱۳۷۱) *نظریه‌های دولت*، حسین بشیریه، تهران، نشر نی

- Baltagi, B. H. (2008). *Econometric analysis of panel data*. Chichester: John Wiley & Sons Ltd
- Pedroni P. (2004). Panel cointegration, Asymptotic and Finite Sample Properties of Pooled Time Series Tests with an application to the PPP Hypothesis. *Econometric Theory* 20: 597-625
- Hansen, B. E. (1996). Inference when a Nuisance Parameter is not identified under the Null Hypothesis; *Econometrica*, 64(2): 413-430
- Hansen, B. E. (2003). Sample Splitting and Threshold Estimation; *Econometrica*, 68(3): 575-603.
- Fischer, S. (1993). The Role of Macroeconomic Factors in Growth, *Journal of Monetary Economics*, Vol. 5, No. 10
- De Hoyos, Rafael E; Sarafidis, Vasilis. (2006). Testing for cross-sectional Dependence in Panel Data Models. *The stata journal*, Vol. 6, No 4, pp.482-496